

عقاید و نظریات تعاونی

جواهر لعل نهرو

نخست‌وزیر فقید هند

در تاریخ تعاون جهان، مصلحان و متفکران بسیاری شیفته راه حل تعاونی مشکلات اجتماعی و اقتصادی جوامع انسانی گردیده و نظریات و عقاید خود را به صورت سخنرانی، مقاله و یا اندک‌دیگری بیان داشته‌اند که غالباً در پیشرفت نهضت تعاون اثری چشمگیر داشته است. نقل و بررسی اجمالی این نظریات می‌تواند مبنایی، انگیزه ترویج و نیز سیر تحول نهضت تعاون را تا حدی روشن نموده و وجوه مناسب آنرا منشاء اتخاذ تدابیر بایسته در موارد مقتضی قرار دهد.

بی‌تردید یکی از صاحب‌نظران و اندیشمندان تعاونی آسیا، جواهر لعل نهرو نخست‌وزیر فقید هند است که با اعتقادی راسخ شیوه تعاون را در کشور هند رواج داد و آن را به عنوان روشی مساعد در توسعه اقتصادی این کشور به کار گرفت. بدین لحاظ در این شماره بخشی از عقاید تعاونی نهرو را که به شکل سخنرانی در یکی از مجامع منطقه‌ای اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال ۱۹۶۰ ایراد شده است، نقل می‌کنیم.

مقالاتم بسیار ختنی هند

اما نظر من در حال حاضر این نیست که نهضت تعاونی را به تدریج و آرام آرام بسط دهیم - آن چنان که تا کنون انجام پذیرفته. بلکه نظر من آن است که باید کشور هند را با نهضت، تعاونی - یا بهتر بگویم با تعاون - به تلاطم و جنبش در آوریم، آنرا فله‌لیت اساسی هند در کلیه روستاها بسازیم و بالاخره باید شیوه تعاونی را جزء نحوه تفکر عمومی مردم هند نمائیم. اینکار، کار بسیار سترگی است، و نمی‌توانم گفت که انجام آن چه مدت طول خواهد کشید، گوای که امیدوارم آنقدر که مردم می‌پندارند طولانی نباشد.

در کشور هند ما با هر چیز که مواجه هستیم ضریب ۴۰۰ میلیون

من به تعاون و نهضت تعاونی نه فقط از طریق عادی کار کردن با آن، بلکه اساساً به طریقی معنوی و در مرحله بعد به انحائی دیگر، و بالاخص ارتباطی که تعاون با مشکلات ما در کشور هند دارد، جلب شده و دل‌بستگی یافته‌ام. آنچه از من ساخته است این است که برخی از دریافتهای حسی خویش را در باب این موضوع نزد شما مطرح سازم، چه من با شدتی روز افزون به آن ذی‌علاقه شده‌ام.

از یک لحاظ تعاون در هند سابقه‌ای بالنسبه طولانی دارد. در برخی از مناطق هند - یعنی بیشتر در جنوب تا در شمال کشور - ثمرات نیکویی به بار آورده، اما ثمراتی محدود. با اینکه تعاون در این کشور ثمربخش بوده، ولی عمق و دامنه آن محدود بوده است. با این وصف، تعاون چیز خوبی است، و من به بسط آن علاقمند هستم.

می‌نماید.

و بعد، در عین حال که ما به جانب صنعتی شدن پیش می‌رویم و شهرها متدرجاً در حال گسترش هستند، باز هم هند راساً کشوری کشاورزی است و اکثریت مردم آن در روستاها زیست و امرار معاش می‌کنند. سیلی از مردم بسوی شهرها سرازیر است و در اطراف کارخانه‌ها شهرهای جدیدی در حال ساخته شدن و نضج گرفتن هستند. این امری است طبیعی.

شرکت تعاونی در تمام روستاها

خواه برنامه ۵ ساله عمرانی باشد خواه فعالیت عمده دیگر، و خواه نهضت تعاونی باشد، اگر بنا باشد که این برنامه‌ها، فعالیت‌ها یا نهضتها در نحوه تفکر و طرز عمل مردم تأثیر بگذارند، باید در ذهن فرد روستائی رسوخ کنند و او را مجذوب سازند. ضرورتی ندارد که ۵۵۰ هزار تعاونی داشته باشیم. ولی معهداً حداقل ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تعاونی - یا چیزی در همین حدود - لازم است. روستاهای کوچک نزدیک بهم می‌توانند تشکیل یک تعاونی بدهند. ما مخصوصاً به این نوع تعاونی نظر داشته‌ایم، چه اکثریت عظیم مردم در روستاها بسر می‌برند. اشخاص بسیار دیگری نیز وجود دارند و ما مایل هستیم که آنها هم به تعاون پیوندند. ما به این موضوع از دو جهت نگریسته‌ایم: یکی جنبه اقتصادی روستا و دیگری جنبه اداری (اداره امور) روستا از یک لحاظ دیگر. بدین معنی که ما روستا را به عنوان یک جامعه خود مختار در سطح اداری و سیاسی در مد نظر قرار دهیم - یک روستا یا چند روستا با هم، یعنی اینکه می‌خواستیم این تصور کهنه را که مأموران عالی‌مقام بر صدر نشسته و به مردم فرمان می‌دهند که چه بکنند، از اذهان عامه مردم خارج سازیم - تصویری که در زمان تسلط انگلیسیها اجتناب ناپذیر بود. بدیهی است که در آن زمان دستگاه اداری دموکراتیک وجود نداشت. اکنون ما شروع کرده‌ایم که دستگاهی دموکراتیک پی‌ریزی کنیم. لکن هنگامی که انسان دست به ریشه می‌برد، در می‌یابد که نمی‌تواند این تصور غلط را از اذهان دور سازد، هم از اذهان مأموران دولت و هم خود مردم. البته مأموران خوب هم داریم - که دلشان می‌خواهد به مردم خیر برسانند - اما مأمورانی هستند که بر صدر نشسته‌اند. ما دریافته‌ایم که این روش از لحاظ سیاسی صحیح نیست - از لحاظ تعاون که جای خود دارد.

اعطای خود مختاری

این بود که ما صلاح دیدیم اختیارات و منابع مالی بیشتری در اختیار



● نظر من این نیست که نهضت تعاونی را به تدریج و آرام آرام بسط دهیم، بلکه باید کشور هند را با تعاون به تلاطم و جنبش در آوریم، آنرا فعالیت اساسی هند در کلیه روستاها بسازیم و شیوه تعاونی را جزء نحوه تفکر عمومی مردم هند نماییم.

● ما نمی‌توانیم منتظر بنشینیم که نهضت تعاونی با تأنی به پیش برود. مشکلاتی که پیدای آن روی ما است، بسیار عظیم است و طالب راه حل فوری و عاجل می‌باشد.

دارد، یعنی جمعیت هند را^(۱)، و اگر پیشرفتی در هند کنیم - که می‌کنیم - باید آنرا میان ۴۰۰ میلیون نفر تقسیم کنیم و در این صورت هر اندازه که پیشرفت بخودی خود عظیم باشد، اندک می‌نماید.

هر گاه بخواهیم درآمد سرانه هند را محاسبه کنیم، باید درآمد ملی را به رقم ۴۰۰ میلیون تقسیم نماییم، و آنوقت خارج قسمت (درآمد سرانه) رقمی ناچیز می‌گردد. البته اگر از سوی دیگر به قضیه نگاه کنیم، در می‌یابیم که ۴۰۰ میلیون نفر در تولید این درآمد سهیم هستند.

البته اگر از کودکان و سالخورده‌گان بگذریم، این مطلب درست است. با این وصف، در عین حال که آنچه ما در کشور هند انجام می‌دهیم فی حد ذاته عظیم است، ولی هنگامی که آنرا در مقایسه با وسعت هند و کثرت جمعیت آن در مد نظر آوریم، خرد و ناچیز

(۱) باید توجه داشت که این سخنرانی در سال ۱۹۶۰ ایراد گردیده و اکنون جمعیت هند بسی

بیش از این رقم است (م).

● به عقیده من آموزش امری است کیفی که با ساخت دولت و مملکت پیوندی تمام خواهد داشت. ما به اصل داوطلبانه بودن تعاون اعتقاد راسخ داریم. اما هر اندازه هم که تعاون داوطلبانه و اختیاری باشد، باز هم همواره با مصالح عالیه مملکتی مربوط می‌شود و ناگزیر باید آن را با احتیاجات دولت انطباق داد. به همین جهت است که ما خواهان مأمورانی نیستیم که سنگینی وجود خود را به اهالی منطقه تحمیل کنند. «مأمور» ما راهنما، دوست است و نه رئیس و «آمر»



جغرافیائی شرکت تعاونی بدان گونه است که شرکتهای تعاونی رشد کرده‌اند. تعاونیها به اقتضای مشاغل رشد یافته‌اند. ما در صدد هستیم که تعاونیهای مغلی (صنعتی) (۲) داشته باشیم، و خواهیم داشت - خواه آنها بافنده باشد یا دوزنده (خیاط) یا هر شغل دیگری که بگوئید.

معهدا، از آنجا که عمده‌ترین شغل در روستا کشت و زرع است، دهقانان را در حال حاضر می‌توان با یکدیگر پیوند داد. نحوه تقرب به مسأله در اینجا نحوه تقرب نهضت تعاونی در سایر ممالک اندکی فرق دارد. اما نحوه‌ای خشک و جامد نیست. نحوه‌ای است مبتنی بر روش آزمون و خطا. ما آماده‌ایم که هر چیز را تغییر دهیم، اما با استفاده از تجربیات متنوع، لکن نمی‌توانیم منتظر بنشینیم که نهضت تعاونی با تانی به پیش بخزد. مشکلاتی که پیش روی ما است، بسیار عظیم است و طالب راه حل فوری و عاجل می‌باشد.

لذا امروزه هدف ما چیزی است که اساساً ماهیتی انقلابی در مناطق روستائی هند دارد - خواه جنبه اداری آنرا بگیریم و خواه جنبه اقتصادی‌اش را.

جنبه اداری این انقلاب هم اکنون پیشرفت خود را آغاز کرده است، ولی جنبه اقتصادی آن در اوایل حرکت خود می‌باشد و نیازمند اقدام بیشتری است.

تعاون و دولت

من در دستور جلسات شما گزارشهای متعددی را دیده‌ام که راجع به رهبران تولید صحبت می‌دارند. البته، کلمه «رهبر» نمی‌پسندم، لکن از مفهومی که در پس این کلمه نهفته است، خوشم می‌آید. این مفهوم دال بر لزوم اشخاص کاردانی است که بتوانند دیگران را به جایی راهبر شوند، ولی - امیدوارم - نه رهبرانی به مفهوم رایج کلمه، یعنی رئیس. هر نوع حسن نیت در جهان، در صورتی که توأم با آموزش کافی نباشد، ثمری نخواهد داشت.

انجمن‌های ده بگذاریم: بدین معنی که معتقد شدیم پولهای که برای مقاصد عمرانی صرف روستاها می‌شود باید توسط انجمن ده به مصرف برسد. این پولی بود که بهر حال بصورت مالیات از خود مردم اخذ می‌شد، و صحیح این بود که روستائیان را در انتخاب روشها آزاد بگذاریم، اما بدیهی است که باید راهنمایی و کمکشان می‌کردیم. با این حال، اخذ تصمیم با خود آنها است و اگر مرتکب اشتباهی شوند، خودشان کفاره آنرا خواهند پرداخت و از آنها تجربه خواهند اندوخت. بسیاری از مردم می‌پنداشتند: «اوه، خوب است، اما متضمن مخاطره (ریسک) عظیمی است. این مردم کار را خوب انجام نمی‌دهند و به اندازه کافی صلاحیت و لیاقت ندارند و بین خودشان به مجادله و ستیز خواهند پرداخت». شکی نیست، اما به نظر ما چنین رسید که در همان حال که مردم روستاها تا حد زیادی بین خودشان به مجادله و ستیز می‌پردازند، اشخاص بسیار بسیار مهم دنیا با شدت بیشتری با یکدیگر به مجادله و ستیز مبادرت می‌کنند. بهر صورت، ستیز و مجادله مردم روستائی عواقب وخیمی در بر ندارند. می‌توان به رفع و رجوع آنها اقدام کرد. ستیز و مجادله زمامداران و پیشوایان است که عواقب ناگواری دارد، و در واقع عواقب بسیار خطرناک! و بدبختانه کسی نیست که بتواند این نوع ستیزها و مجادلات را رفع و رجوع کند.

بهر حال، در سطوح اداری و سیاسی ما به دهکده‌ها خود مختاری اعطاء می‌کنیم. در واقع هم اکنون در برخی از مناطق هند این عمل انجام پذیرفته است و در مناطق دیگر نیز باید انجام پذیرد.

ما دولتی فدرال هستیم، و چون این موضوعی است مربوط به ایالت‌ها و نه به حکومت مرکزی، به عهده هر یک از ایالات است که قانون مربوطه را به تصویب برسانند. در بعضی از نقاط هند این خود مختاری از چندی پیش اعطاء گردیده، یعنی از یک سال پیش، اما همین مدت کوتاه یک ساله نیز ما را قانع کرده است که قدمی در جهت صحیح برداشته‌ایم - منظورم اعطای خود مختاری اداری و سیاسی به روستاها است. لازم نمی‌بینم که وارد جزئیات شوم - اینکه هر روستا دارای یک انجمن است، و هر گروهی از روستاها یک انجمن بزرگتر دارند که دارای اختیارات عمده‌ای هستند و سپس یک انجمن مشورتی در رأس قرار دارد. ما سعی کرده‌ایم که مأمور دولت را در انجمن مشورتی جای دهیم، اما بدیهی است که فقط به عنوان یک مشاور، که تشویق کند، راه بنماید، و نه اینکه دارای اختیارات اجرایی باشد. این بود جنبه اداری مسأله.

استفاده از روش «آزمون و خطا» (۱)

فعالیت اقتصادی روستاها از این حیث می‌تواند به صورت تعاونی باشد. بنابراین، خواستار آن بودیم که در هر روستا یک تعاونی وجود داشته باشد.

در اینجا بسیاری از شما بلادرنگ خواهید گفت که این نوع توصیف

● کشاورزی و نحوه زیست مردم هند فقط هنگامی سامان می‌یابد که برای حل مشکلات کشاورزی و صنعت و هر چیز دیگر از روشهای جدید فنی استفاده شود. اما پیش از هر چیز لازم است که فکر و ذهن روستائیان را تغییر دهیم. ولی خارج ساختن چند صد میلیون نفر از لاک ذهنی خود که نسلهای متمادی در محدوده تنگ و بی‌روزی آن زیسته‌اند، مشکل بزرگی است. بنابراین از طریق شرکتهای تعاونی است که می‌توانیم هم ذهن و هم فعالیتهای او را اعتلا بخشیم. به همین جهت برای مردم هند تعاون ضرورت مطلق دارد.



هند را تغییر دهیم، و در حقیقت کاری کنیم که از لاک ذهنی خود بیرون آیند. شکی نیست که این کار کارستریگی است. خارج ساختن چند صد میلیون نفر از لاک خود که نسلهای متمادی در محدوده تنگ و بی‌روزی آن زیسته‌اند، مشکل دهشتناکی است. این پوسته بتدریج شکل گرفته و صلب شده است و شکستن آن کار آسانی نیست.

کشیت و زرع هشتتوک

اما می‌خواستیم این جریان را تسریع کنیم. برای ما مقدور نبود که برای این منظور با یک یک دهقانان تماس بگیریم. انجام چنین کاری بس دشوار است. بنابراین از طریق اصل تعاونی بود که می‌توانستیم هم ذهن و هم فعالیتهای او را اعتلا بخشیم، و سرانجام در ذهن او رسوخ کنیم. من این گفته را که دهقان هندی سخت محافظه کار (سنت‌گرا) است به نحوی که نمی‌توان او را از لاک خود بیرون آورد، به هیچ وجه نمی‌پذیرم. دهقان هندی - اگر به او امکان داده شود - هوشمند لکن اندکی احتیاط کار است، و برای کاری که از او خواسته می‌شود انجام می‌دهد، دلیل و علت می‌خواهد - و این صفت خوبی است. به همین جهت است که برای مردم روستائی هند تعاون ضرورت مطلق دارد.

همچنانکه بعضی از شما حاضران می‌دانید، حدود ۳۰ سال قبل از طرف حکومت انگلیس در هند یک کمیسیون کشاورزی برای تحقیق درباره مشکلات کشاورزی این کشور تشکیل شد و این کمیسیون اعلام نمود که کشاورزی هند آتیه‌ای نخواهد داشت مگر از طریق تعاون. و کمیسیون مزبور هیأتی انقلابی نبود، بسیار هم محافظه کار بود. بنابراین، تصمیم ما این بوده است که این تعاونیهای خدمت نه فقط به اعطای اعتبار بلکه به انواع مختلف فعالیتهای اقتصادی روستائی مبادرت ورزند. سپس قدمی فراتر نهادیم. در جایی که امکان پذیر بود و مردم تمایل

آموزش امری مقداری (کمی) نیست که بتوان آنرا بسط داد، بلکه به عقیده من چیزی است کیفی، و از این نظر است که ما می‌خواهیم آنرا شالوده استوار مملکت قرار دهیم - و جزئی از حکومت. اما تردیدی نیست که آموزش با ساخت دولت و مملکت پیوندی تمام خواهد داشت. ما به اصل داوطلبانه بودن تعاون اعتقاد راسخ داریم. در این بحثی نیست. اما هر اندازه هم که تعاون، داوطلبانه و اختیاری باشد، باز هم همواره با مصالح عالی مملکتی مربوط می‌شود و ناگزیر باید آن را با احتیاجات دولت انطباق داد و بالعکس. به همین جهت است که ما خواهان «مأمور منطقه» نیستیم، مأمور، که سنگینی وجود خود را به اهالی منطقه تحمیل کند. تکرار می‌کنم، «مأمور» ما راهنما و دوست است و نه رئیس و «آمر».

سه سال قبل که «کنگره ملی» این تصمیم را گرفت، کار تازه‌ای نکرد. تصمیم مزبور در واقع تشریح و فضیل چیزی بود که سابقاً درباره رشد سریع تعاون در مناطق روستائی خود گفته بودیم. در آن هنگام گفتیم که بر ما فرض است که در عرض سه سال در تمامی روستاها تعاونیهای خدمت (سرویس) به وجود آوریم - تعاونیهایی که به انجام هر گونه فعالیت اقتصادی برای روستا پیرازند، و نه فقط تعاونیهایی که به اعطای اعتبار مبادرت نمایند. علاوه بر این گفتیم که صلاح در این است که این اقدام، در جایی که مقدور باشد و با اصل داوطلبانه منافاتی نداشته باشد، بسط داده شود و حتی کشت و زرع تعاونی را نیز در برگیرد.

خارج میساختنی از «لاک ذهنی»

هنوز این گفته از دهان ما خارج نشده و دکه، از طرف برخی از طبقات مردم هند فریاد اعتراض برخاست: «این کار کمونیستی است، و قدم گذاشتن در راه کمونیزم است، و کاره حیچی نیست». در این باره حرفی نمی‌زنم. بدیهی است که این اقدام ارتطبی با کمونیزم نداشت. در جایی که اصل اختیار و داوطلبی در میان باشد، چیزی را کمونیستی نمی‌توان خواند.

علت واقعی این اعتراض آن است که در کشور هند ما با مشکل جمعیت عظیم و قطعات بسیار بسیار کوچک زمین مواجه هستیم. به مرور زمان زمین به قطعه‌های بس کوچکی تقسیم شده است، و اکنون یک دهقان خرده پا که مالک زمینی کوچک است توانائی افزایش تولید را ندارد، منابع او محدود است، در حقیقت بسیار محدود است، و بزحمت می‌تواند از سالی به سال دیگر یا حتی ز ماهی به ماه دیگر معاش خود را تأمین نماید. و بدیهی است که همین بر بسط و اشاعه تعاون را بیش از هر چیز دیگر در هند ضروری می‌سازد.

هر گاه از سوی دیگر به سألله بدترین در می‌یابیم که کشاورزی و نحوه زیست مردم هند فقط هنگامی سامان می‌یابد که برای حل مشکلات کشاورزی و صنعت و هر چیز دیگر از روشهای مدرن فنی استفاده گردد. اما پیش از هر چیز لازم است که فکر و ذهن روستائیان

(1) Trial and Error. (2)Occupational.

● بر ما فرض است که در تمامی روستاها تعاونیهای «خدمت» به وجود آوریم، تعاونیهایی که به انجام هرگونه فعالیت اقتصادی برای روستا بپردازند، نه اینکه فقط به اعطای اعتبار مبادرت نمایند. صلاح در این است که این اقدام بسط داده شود و حتی کشت و زرع تعاونی را نیز در برگیرد.

● به عقیده من روش یک جامعه نفع طلب و فزون جو کاملاً از اعتبار ساقط شده است. در دنیائی که هر کشوری چشم طمع به ثروت کشور دیگر دوخته و جهان مملو از نفوس انسانی است، اگر طرز تفکر کاملاً متفاوتی نداشته باشیم، یعنی طرز تفکر تعاونی، جز حرمان نصیبی نخواهیم داشت ولا محاله با یکدیگر به ستیز بر خواهیم خاست.

داشتند، به دهقانان گفتیم که صلاح آنها در این است که به کشت و زرع مشترک بپردازند، لکن هر کس ملک خود را مملوک باشد و اختیار سهم فردی خود را در (مجموع برداشت) دارا باشد - البته حفظ این سهم در زمینی که دهقان کشت می کند از لحاظ دقت ریاضی بسیار دشوار است، اما جنبه کلی دارد زیرا که سهم دهقان در این وضع بستگی دارد به مقدار زمین او و مقدار کاری که در راه کشت و زرع مشترک صرف می کند.

علاوه بر این، دهقان منخیر بود که بعد از یک دوره آزمایشی، در صورت تمایل، از کشت و زرع مشترک خود را کنار بکشد. برای کناره گیری اعضاء قواعدی وضع کردیم. عضو این حق را نداشت که حاصل تمام زحمات انجام شده را به باد دهد. از این رو، احساس کردیم که چون زمینها کوچک هستند، بکار بردن آلات و ابزار بهتر و تجهیزات عمده و کامل تر و غیر ذلک از طریق کشت و زرع مشترک آسانتر خواهد بود. و من از مشاهده نتایج کار اعتقاد یافته ام که این نوع کشت و زرع مشترک هم مطلوب است و هم لازم. البته نمی گویم که این کار در کلیه شرایط و در سراسر هند مطلوب است. خیر. اوضاع و احوال فرق می کند. اما بر رویهم چنین می پندارم که مطلوب است. لکن چنانکه قبلاً گفتیم، اخذ تصمیم بتمامی در اختیار اشخاص ذریبط، یعنی دهقانان است. عجالتاً تأکید ما بر بسط و تحکیم تعاونیهای خدمت است.

طرز تفکر متفاوت

پس از آنکه تعاونی خدمت تشکیل شود، دیگر به عهده خود تعاونی است که قدم دیگری بردارد یا خیر. اما لازم به گفتن است - که در پس تمام این مجاهدات نوعی شیوه تقرب فنی در کار نیست، بلکه کوششی است برای تغییر دادن و روشن کردن اذهان مردم تا مگر از چهار دیواری



تنگ فکر خود بیرون آیند و قدم به آفاق وسیعتری بگذارند. این نحوه تفکر مانع از آن است که روستائیان بتوانند در امر کشت و زرع توفیقی ارزشمند کسب کنند، و بعلاوه ساخت مدرن جامعه نیز تا حدی چندان تعاونی نیست، و یا اینکه از لحاظ تئوری چنین است. ساخت جامعه رقابتی است. من با رقابت که مبنای صحیحی داشته باشد، ضدیتی ندارم، اما اگر رقابت مبتنی بر غریزه تملک فردی و لطمه زدن به دیگران باشد، مایه فلاکت و دردسر است.

من هیچ شک ندارم که چنین رقابتی دیگر مناسب اوضاع کنونی جهان نیست. در حال حاضر حداقل بطور تئوریک - در بعضی جاها عملاً، اما نظراً در سایر جاها، جها، از مرحله کمیابی به عصر وفور وارد شده است. در هند ما هنوز به این مرحله قدم ننهاده ایم - این آشکار است. اما نظراً چنین کاری انجام پذیر است.

کمی وقت می خواهد، و بعلاوه باید با طرز تفکر متفاوتی به این قضیه بنگریم. بهر حال به عقیده من روش یک جامعه نفع طلب و فزون جو کاملاً از اعتبار ساقط شد. در دنیائی که هر کشوری چشم طمع به ثروت کشور دیگر دوخته و جهان مملو از نفوس انسانی است، اگر طرز تفکر کاملاً متفاوتی نداشته باشیم، یعنی طرز تفکر تعاونی، جز حرمان نصیبی نخواهیم داشت ولا محاله با یکدیگر به ستیز بر خواهیم خاست. این است اساس مطلب.

کاری سهمگین

به همین جهت است که حدود ۱۰ یا ۳۰ سال قبل نهضت ملی ما، مدتها پیش از کسب استقلال اعلام داشت، که ما خواهان ایجاد یک «کامنولث تعاونی»^(۱) هستیم. اکنون اگر از من سؤال کنید که کامنولث تعاونی دقیقاً چه معنی دارد، قادر به تعریف آن نیستم.

بافت بزرگترین فرش جهان به شکل تعاونی

بافت بزرگترین فرش جهان در شهر بن در استان چهارمحال و بختیاری آغاز شد.

با تصویب اعتباری بالغ بر ۵۰۰ میلیون ریال از محل تبصره ۳ قانون بودجه سال ۷۳ بخش تعاونی استان چهارمحال بافت فرش به مترای ۱۵۰۰ مترمربع توسط شرکت تعاونی فرش دستباف شهید فیاض بخش شهرکرد آغاز شد.

برادر خداینده مدیر کل تعاون استان چهارمحال و بختیاری، طرح این قالی را از نوع لچک و ترنج افشان اعلام نمود و افزود این قالی دارای ۱۶۵۰۰ خفت و ۲۵ هزار رج است و با ابریشم بافته می‌شود. پشم این فرش ۵۰٪ سیرجان و ۵۰٪ خارجی و رنگ آمیزی آن به سبک نائینی است.

پیش‌بینی می‌شود بافت این فرش پس از ۲ سال به اتمام برسد. طبق نظر و بررسی کارشناسان و موقعیت نرخ بازار حداقل یک میلیارد ریال فروخته می‌شود که با صادر نمودن آن به کشورهای خارجی ارزش قابل توجهی به کشور جمهوری اسلامی ایران برگردانده خواهد شد. ضمناً این فرش باعث اشتغال ۷۰ نفر از مددجویان سازمان بهزیستی شده است.

پیش‌بینی می‌شود درآمد حاصل از فروش فرش ۳۶۰ میلیون ریال باشد که نصیب شرکت تعاونی خواهد شد. لازم به ذکر است که این فرش ۱۵۰۰ متری در ابعاد ۵۰ x ۳۰ بافته می‌شود.



اما این اصطلاح حدوداً به شما م‌لوم می‌کند که نحوه تفکر ما چگونه بوده و هست. تمایل ذهنی ما معطوف بوده است به تدوین قانون اساسی و ایجاد یک نظام اجتماعی که بر این شیوه تفکر و بر اصول تعاونی مبتنی باشد. امیدوارم که این کار انجام‌پذیر باشد. ما می‌کوشیم این هدف را در مناطق روستائی خود - که ۸۰ درصد سرزمین هند را تشکیل می‌دهد - تحقق بخشیم.

بنابراین تمامی آتیه هند واقعاً بر وفق این روش که زندگی صدها میلیون نفر را در برمی‌گیرد، وابسته است.

شکی نیست که این امر باید با آموزش و تعلیم ملازم باشد. ما نمی‌توانیم از آنها درخواست کنیم که با یکدیگر همکاری کنند. به صرف تقاضای ما به تعاون نمی‌پردازد، لذا ناچاریم به طرز اثربخش به آنها آموزش دهیم - آنها را تربیت کنیم و تخصص بدانها بیاموزیم. و این کار سهمگینی است. با این حال، همان مقدار کار اندکی که انجام داده‌ایم، به ما امید و اطمینان راسخی بخشیده است. تردیدی ندارم که از این پس با سرعت بیشتری به جلو خواهیم رفت. تاکنون سرعت خوبی جلو رفته‌ایم، ولی باید بر سرعت خود بیفزاییم و بیش از آنچه اکثر مردم در این مورد می‌پندارند سرعت بگیریم. این کار کاری نیست که از روی دفتر و دستک انجام پذیرد. نباید از اد برد که مصالح کار ما را آدمها، مردم هند، تشکیل می‌دهند، و آدمها ز یکدیگر فرق بسیار دارند.

و از آنجا که اصل اساسی تعاون شرکت داوطلبانه و همبستگی داوطلبانه است، این کار را نمی‌توان کشیدن قلمی بر روی کاغذ یا اعمال روشهای جابرانه به انجام رساند، زیرا که بدین وسیله بجای آرایش ابرو چشم از حدقه در می‌آید. بنابراین، پی افکندن یک جامعه تعاونی کاری است بطیء، بگذریم ز سهمگین بودن آن. بعضی از اوقات هنگامیکه این امر اشاعه می‌یابد، با سرعت اشاعه می‌یابد. بهر صورت باید بار این کار را بر دوش ب‌نیریم.

ولی در ضمن این عمل، بدیهی است که از کمک و راهنمایی و از تجربیات وسیع کشورهای که در تعاون بسیار پیش رفته‌اند و آنرا بنحو مؤثری بکار گرفته‌اند، کمال استفاده را خواهیم برد. ما از اینکه کمک و راهنمایی استقبال می‌کنیم، و البته همانکه عرض کردم، این اصل تعاونی فقط یک راه فراهم آوردن ابزار یا ترتیب بازاریابی نیست. البته این هست، اما علاوه بر آن یک نحوه زیست نیز می‌باشد. هرگاه شما این اصل را یک نحوه زیست قرار دهید نه فقط مشکلات مملکت خود را حل و فصل خواهید کرد بلکه ب‌تردید به رفع و رجوع معضلات بین‌المللی نیز مدد خواهید رساند.

(۱) Commonwealth به مفهوم اخص، انحصاراً بهای اقتصادی و تجاری مرکب از انگلیس و

برخی از ممالک تحت‌الحمایه سابق آن (از قبیل هند، پاکستان، نیجریه و مالزی و غیره) لکن

به مفهوم اعم، عبارت است از اشتراک منافع و (وت‌م).